



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

HomePage: <http://jclld.liau.ac.ir>

Vol.1, No.4, Issue 4, Winter 2022, P:69-82

Receive Date: 2022/11/1

Revise Date: 2022/12/11

Accept Date: 2022/12/17

Article type: Original Research Online ISSN: 2821-2339 DOI: 10.30495/jclld.2023.1971975.1025

Women and White-Collar Criminals: Comparison of Pink-Collar and White-Collar Crimes in the Law of Iran and Norway

Maryam Kamaei¹
Salameh Abolhasani²
Naghme Farhod³

Abstract

White-collar crimes are crimes that are mainly committed by people from the high social and economic class. Katie Daly popularized the term "pink collar". This term refers to the white-collar crimes that women committed in their workplaces. The importance of white-collar crimes and pink-collar crimes and its wide range of impact on the basic dimensions of a society is non-negligible; for this reason, serious effort and strict planning is necessary in supervising the behavior of perpetrators of such crimes and their punishments. This research considers the gender status in white-collar crimes in Iran and Norway; that the occurrence of the white-collar crimes is gender neutral or includes a special gender; so the difference between men and women in terms of the nature of white-collar crimes and their roles in these crimes are examined. The findings of research suggest that the occurrence of white-collar crimes in Norway and Iran are similar to each other and this hypothesis that gender segregation in society and workplace is the cause of white-collar crimes is questionable. As a result, gender inequality is not the origin of the gender gap in white-collar crimes, as far as it is related to access to the labor market and other resources.

Keywords: women crimes, pink-collar crime, white-collar crime, gender and occurrence of crime.

¹. PhD student of Criminal Law and Criminology, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. maryamkamaei201@gmail.com.

². Assistant Professor of department of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) abolhasani2022@gmail.com.

³. Assistant Professor of department of Criminal Law and Criminology, Andimeshk Branch, Islamic Azad University, Andimeshk, Iran. dr.naghme.farhod1356@gmail.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

سال اول - شماره ۴ - شماره پیاپی ۴ - زمستان ۱۴۰۱، ص ۶۹-۸۲
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷
 نوع مقاله: پژوهشی شاپا الکترونیکی: ۲۳۳۹-۲۸۲۱
 DOI: 10.30495/jcld.2023.1971975.1025
 Homepage: <http://jcld.liau.ac.ir>

زنان و مجرمین یقه سفید: مقایسه جرائم یقه صورتی و یقه سفید در حقوق

ایران و نروژ

مریم کمائی^۱

سلامه ابو الحسنی^۲

نغمه فرهود^۳

چکیده

جرایم یقه سفید جرائمی هستند که اصولاً، افراد طبقه بالای اجتماعی و اقتصادی به ارتکاب آن، دست می‌یازند. کتی دالی، اصطلاح یقه صورتی را رواج داد. این اصطلاح، به جرائم یقه سفیدی اشاره دارد که زنان در محیط کار خود به ارتکاب آن، مبادرت می‌کنند. اهمیت جرائم یقه سفید و جرائم یقه صورتی و دامنه‌ی وسیع تأثیرگذاری آن بر ابعاد زیربنایی یک جامعه، غیر قابل اغماض است؛ بدین جهت، اهتمام جدی و برنامه ریزی دقیق در نظارت بر رفتار مرتکبین این‌گونه جرائم و کیفر آن‌ها ضروری است. پژوهش حاضر، وضعیت جنسیت در جنایت یقه سفید را در ایران و نروژ، بررسی می‌کند؛ اینکه وقوع جرائم یقه سفید، از نظر جنسیتی، خنثی است و یا شامل جنسیت خاصی است؛ از این رو، تفاوت مردان و زنان از نظر ماهیت جرائم یقه سفید و نقش آنان در این جرائم، مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش، حکایت از این دارد که وقوع جرائم یقه سفید، در نروژ و ایران مشابه یکدیگر هستند و این فرضیه را که تفکیک جنسیتی در جامعه و محل کار، عامل به وقوع پیوستن جرائم یقه سفید است، غیر ثابت و قابل تردید است؛ در نتیجه، نا برابری جنسیتی، حداقل تا آنجا که با دسترسی به بازار کار و سایر منابع مرتبط است، منشأ شکاف جنسیتی در جرائم یقه سفید نیست.

واژگان کلیدی: جرائم زنان، جرم یقه صورتی، جرم یقه سفید، جنسیت و ارتکاب جرم.

^۱. دانشجوی دکترای حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد پردیس علوم تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. maryamkamaei201@gmail.com

^۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). abolhasani2022@gmail.com

^۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران. dr.naghme.farhod1356@gmail.com

مقدمه

جرم یقه سفید، جرم مالی است که توسط مجرمان یقه سفید انجام می‌شود. به طور سنتی، جرائم یقه سفید در جرم‌شناسی به عنوان جرائمی شناخته می‌شوند که افراد بلندپایه در محل کار مرتکب آن می‌شوند (گوتشالک^۱، ۲۰۱۹، ۲۲). اصطلاح جرم یقه سفید اساساً یک اصطلاح جرم‌شناختی است که برای اولین بار توسط ساترلند جرم‌شناس بزرگ آمریکایی بیان شده است (میرخلیلی و خدادوست، ۱۳۹۶، ۱۳۰). یکی از مهمترین جنبه‌های جرائم یقه سفید که ما در این مقاله به آن خواهیم پرداخت، این است که ساترلند وقتی صحبت از مجرمان یقه سفید کرده بود، فقط مردان را در نظر داشت. تعریف ساترلند زنان را مستثنا می‌کند. به لحاظ تاریخی، زنان به واسطه تبعیض نهادینه شده در قوانین و حقوق عرفی از ورود به طبقات اقتصادی بالاتر منع می‌شدند (کمایی و ابوالحسنی، ۱۳۹۹، ۴۳۱).

زنان در ایران با مجموعه‌ای از موانع قانونی و اجتماعی مواجه هستند که نه تنها زندگی آن‌ها، بلکه معاش‌شان را نیز محدود می‌سازد و در نتیجه سبب نابرابری اقتصادی فاحشی در زندگی آن‌ها می‌شود. با وجود اینکه زنان بیش از ۵۰ درصد فارغ التحصیلان دانشگاه‌های ایران را تشکیل می‌دهند، نرخ شرکت آن‌ها در نیروی کار فقط ۱۷ درصد است. گزارش سال ۲۰۲۰ شکاف جنسیتی در جهان که توسط مجمع جهانی اقتصاد تهیه شده است، ایران را از نظر برابری جنسیتی در رتبه‌ی ۱۴۳ از ۱۵۳ کشور قرارداد. بررسی شاخص توسعه جنسیتی و افزایش مشارکت زنان در ایران نشان می‌دهد، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در طی سال‌های اخیر افزایش یافته است؛ لیکن تفاوت فاحشی بین نرخ مشارکت زنان و مردان وجود دارد (مدرسی عالم، ۱۳۹۶، ۱۱۱).

مفهوم بزهکاری زنان عمیقاً از اجتماعی شدن مردان و زنان متأثر است (جربانی، ۱۳۹۶، ۱۰۰). از طرف دیگر میزان هم‌نوایی زنان نیز در مقایسه با مردان به دلایل مختلفی بیشتر است. حضور پررنگ‌تر و سهم بیشتر مردان در مشاغل و به‌طور خاص در نقش‌های شغلی مؤثر و تصمیم‌گیر در سازمان‌ها، یکی از مهم‌ترین عوامل بیشتر بودن میزان جرائم یقه سفید مردان در مقایسه با زنان است. از طرف دیگر هرچه میزان فرصت حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بیشتر شود، احتمال اینکه آن‌ها دست به ارتکاب جرائم یقه سفید بزنند بیشتر خواهد بود که بعضی از تحقیقات نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند. آزار جنسی علیه زنان در محیط کار از جمله جرایمی است که امنیت زنان شاغل را به خطر می‌اندازد (صادقی و لاریجانی، ۱۳۹۲، ۸۷).

مطالعات انجام‌شده نشان داده است در صورت دسترسی زنان به ساختارهای قدرت اجتماعی و پست‌های شغلی بالاتر، همچنان مردان بیشتر از زنان مرتکب جرم یقه سفید می‌شوند. یک مطالعه

^۱. Gottschalk.

نروژی بر روی ۲۵۵ محکوم انجام شده است که نتایج آن در مقالات و روزنامه‌های معتبر نروژ منتشر شده است و نشان داد تنها ۲۰ نفر از این تعداد زن بودند (گوتشالک، ۲۰۱۹، ۴۲). در صورتی که جامعه نروژ جامعه‌ای برابرخواه است و حقوق زنان و مردان در نروژ برابر است و از نظر شکاف جنسیتی، نروژ کمترین شکاف جنسیتی را دارا است و بر طبق گزارش جهانی شکاف جنسیتی^۱ ۲۰۲۰ در مقام دوم جهان قرار دارد.

برای محققان این مطالعه از جمله پیتر گوتشالک^۲ که از محققان به نام نروژ است، خیلی سخت بود باور کند، در چنین جامعه‌ای برابر خواهی از نظر جرائم یقه سفید دارای تفاوت‌های بزرگ بین دو جنس است. در پژوهش دیگری که توسط مجید قورچی بیگی (۱۳۹۸) انجام شده است نیز از میان مجموع ۱۹ پرونده مورد بررسی قرار گرفته، حدود ۹۴ درصد مرتکبان مرد بوده‌اند و تنها یکی از مرتکبان زن بوده است (قورچی بیگی، ۱۳۹۸، ۲۲۰). علت این موضوع می‌تواند دسترسی جنسیتی به موقعیت‌های شغلی و سازمانی و وجود سقف‌های شیشه‌ای برای زنان در سازمان‌ها باشد. عده‌ای دیگر به موضوع روحیه قانون‌گراتر زنان و برخورد‌های ارفاق آمیز نظام عدالت کیفری با زنان در مقایسه با مردان اشاره کرده‌اند. عده‌ای دیگر اعتقاد دارند زنانی که در ساختارهای سازمانی به مناصب بالاتری می‌رسند، به علت منحصر به فرد بودن آن‌ها، بیشتر در معرض توجه قرار دارند و بیشتر از مردان همکار خود کنترل می‌شوند و از طرف دیگر در فعالیت‌های غیرقانونی کمتر مورد اعتماد قرار می‌گیرند (بنسون و سیمپسون^۳، ۲۰۰۹، ۲۵۰).

گنجاندن جنسیت در زمینه‌ی جرائم یقه سفید نشان‌دهنده یک حوزه مطالعه و تحقیق نسبتاً جدید و چالش برانگیز است. اگرچه تحقیقات با سرعت ثابتی در مورد زنانی که مرتکب جرم می‌شوند و در مورد بزه دیده شناسی آن‌ها در حال انجام است با این حال اطلاعات درباره این موضوع کمیاب است. کشور نروژ از نظر جمعیت زن و مرد دارای برابری است همچنین از نظر برابری جنسیتی در رتبه دوم جهانی قرار دارد و دارای بیشترین تعادل جنسیتی در محیط‌های کاری می‌باشد. با توجه به اینکه زنان در نروژ به اندازه مردان به مشاغل مدیریتی سطح بالا دسترسی دارند با بررسی رابطه‌ی میان این دسترسی و ارتکاب جرائم یقه سفید در محل کار، و مقایسه جرائم یقه صورتی و یقه سفید می‌توان از نتایج آن در کشور ایران بهره برد.

1. <http://www.tccim.ir/Images/Docs/1080.pdf>.

2. Peter Gottschalk.

3. Benson and Simpson.

۱. جرائم یقه سفید

ساترلند^۱ (۱۹۳۹) به عنوان نخستین فردی که جرم یقه سفید را تعریف کرد، بحث‌های زیادی پیرامون صحت تعریف وی از جرائم یقه سفید شکل گرفت که در ادامه‌ی پژوهش به آن‌ها پرداخته می‌شود: «افراد طبقات اجتماعی بالاتر بیشتر مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند و چنین رفتاری با رفتار مجرمانه طبقات اجتماعی پایین‌تر، به لحاظ رویه‌های اداری موجود در برخورد با متخلفان متفاوت است؛ حال آنکه رویه‌های اداری از منظر علت جرم اهمیت چندانی ندارند».

بدین ترتیب، جرم به واسطه مقام فرد متخلف تعریف می‌شود؛ حال آنکه باید مانند یک قانون موضوعه بر اساس عمل مجرمانه مورد تعریف قرار گیرد؛ به عنوان مثال، زمانی که یک قاتل مرتکب جنایت قتل می‌شود، این عمل او بر اساس قوانین نهاد دادستانی سلطنتی (CPS) در انگلستان و ولز به عنوان قتل غیرقانونی یک شخص با قصد کشتن تعریف شده است.^۲

بنابر این در تعریف ساترلند بیان نمی‌گردد کدام رفتارها در گروه اعمال مجرمانه قرار می‌گیرند و نیز توضیحی در مورد تجمیع جرائم تحت این تعریف ارائه نمی‌شود. زنان بیرون از تعریف ساترلند قرار دارند. به لحاظ تاریخی، زنان به واسطه تبعیض نهادینه شده در قوانین و حقوق عرفی از ورود به طبقات اقتصادی بالاتر منع می‌شدند. جالب است بدانید که زنان آزادی خواه امروزی همانند مردان مرتکب جرائم یقه سفید می‌گردند. حال با توجه به این شرایط، مسأله‌ای که مطرح می‌گردد این است که تعریف جرم یقه سفید به تغییر نیاز دارد یا خیر؟

۱-۱. ویژگی جرائم یقه سفید

وجه تمایز اصلی در بررسی جرائم یقه سفید، «مرتکبان» این جرائم است نه خود «جرائم»؛ یعنی موقعیت بالای اجتماعی و اقتصادی، آن‌ها را از دیگر مجرمین متمایز می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۷، ۲۴۴). بدون شک مخفی کاری یکی از ویژگی‌های مهم جرائم یقه سفید است؛ این بدان معناست که مرتکبین، فعالیت‌های غیرقانونی خود را علنی نمی‌کنند؛ بلکه سعی می‌کنند تا ظاهری قانونی و موجه به فعالیت‌های خود بدهند.

بزهکاران یقه سفید در برابر بزهکاران یقه آبی و یقه چرکین^۳ قرار گرفته و از نظر سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، دارای نفوذ و اقتدار زیادی هستند و به اعتبار آراستگی ظاهری که معمولاً به شکل کت و شلوار تیره، پیراهن سفید و کراوات متناسب است، از گروه اخیر قابل تشخیص هستند

^۱. Sutherland.

^۲. CPS این مسأله را با توجه به عرف و قانون اساسی در راهنمای آنلاین خود در مورد جرایم خشونت‌آمیز تشریح کرده است (بعداً مراجعه کنید).

^۳. Blue collar criminals.

(سلیمی، ۱۳۸۷، ۲۴۵). جنایت یقه سفید جرم مالی است که توسط افراد دارای موقعیت ممتاز در مشاغل و سازمان‌های عمومی انجام می‌شود (دردین و گوتشالک^۱، ۲۰۲۰، ۱).

مجرمین یقه سفید با شیوه‌های: جعل، اختلاس، کلاهبرداری و... میلیاردها پول را به شیوه‌هایی می‌ربایند که بیشتر آن غیرقابل کشف است. مجرمین یقه سفید به مراتب خطرناک‌تر، پیامدهای جرم ارتكابی آنان وسیع‌تر از سایر مجرمان است (نصیری، ۱۳۹۳، ۷). مجرمان یقه سفید حتی امنیت ملی کشور را به مخاطره انداخته و به طور مستقیم بر امنیت ملی کشور تأثیرگذار هستند (منظمی تبار، ۱۳۹۸، ۱۴۱؛ گلباغی و ملک مطیعی، ۱۴۰۱، ۱۰۰).

۲. مجرمان یقه صورتی

مجرم یقه صورتی یک مجرم یقه سفید زن است که از موقعیت شغلی خود برای ارتكاب و پنهان کردن جنایات مالی به نفع خود یا حرفه‌اش سوء استفاده می‌کند. او به نخبگان جامعه تعلق دارد و فردی با احترام و موقعیت اجتماعی بالا است که به منابع دسترسی دارد و در جریان فعالیت‌های حرفه‌ای مرتکب جرم می‌شود. جنایت یقه سفید یک جرم مالی است که توسط افراد ممتاز در یک زمینه حرفه‌ای انجام می‌شود که در آن مجرمان بر اساس موقعیت‌های قدرتمند و اعتماد شخصی به منابع دسترسی قانونی دارند (گالوین، لوگان و اسنوک^۲، ۲۰۲۱، ۱-۲۹).

در نروژ، زنان تنها ۷ درصد از زندانیان یقه سفید را تشکیل می‌دهند، در حالی که بقیه همه مردان هستند (بنسون و گوتشالک، ۲۰۱۵، ۵۵۲-۵۳۵). استرادا، نیلسون و پترسون^۳ (۲۰۱۹، ۱۴۵) استدلال می‌کنند که شکاف جنسیتی در جرائم ثبت‌شده رو به کاهش است، این واقعیت که مردان تعداد بسیار بیشتری از جرائم را نسبت به زنان مرتکب می‌شوند، یکی از یافته‌های اصلی در تحقیقات جرم‌شناسی است.

شکاف جنسیتی که در بالا توضیح داده شد نشان دهنده بینش‌های شناخته شده در مورد جنایت یقه سفید از تحقیقات سنتی است. چیزی که تحقیقات جنسیتی را هیجان‌انگیزتر می‌کند، شکاف جنسیتی احتمالی در میزان تشخیص زنان در مقابل مردان است. بر اساس بررسی ادبیات تحقیق، گوتشالک (۲۰۱۹) خطر تشخیص نسبی را برای زنان در مقابل مردان تنها ۳۰ درصد در نروژ تخمین زد که این عدد حاکی از احتمال تشخیص ۳ درصد برای زنان و ۹ درصد برای مردان است.

بنابر این، زمانی که تنها ۹ درصد شانس برای مردان وجود دارد، در آن صورت فقط ۳ درصد شانس برای زنان وجود دارد، اگر خطر تشخیص نسبی برای زنان فقط ۳۰ درصد باشد (گوتشالک، ۲۰۱۹).

^۱. Dearden, Gottschalk.

^۲. Galvin, Logan & Snook.

^۳. Estrada, Nilsson & Patterson.

یکی از عوامل بالقوه شکاف جنسیتی فرضی و تخمینی در کشف جرم، مقدار پولی است که در جرائم یقه سفید دخیل است. در نمونه نروژی مورد مطالعه بنسون و گوتشالک^۱ (۲۰۱۵)، میانگین سود اقتصادی ناشی از جرم برای مجرمان زن کمتر از مجرمان مرد بود. میانگین سود اقتصادی زنان در جرائم یقه صورتی ۹ میلیون کرون نروژ بود که کمی کمتر از یک میلیون دلار آمریکا است. میانگین سود اقتصادی برای مردان پنجاه میلیون کرون نروژ بود که حدود پنج میلیون دلار آمریکا است؛ بنابراین میزان جرم برای مجرمان مرد بیش از ۵ برابر بیشتر از مجرمان زن بود.

۲-۱. جرائم یقه صورتی، جرائم یقه سفید زنان در محل کار

تعریف ساترلند به طور غیرعادی مبتنی بر وضعیت مجرم است تا جرم ارتكابی. یک قاتل مرتکب قتل می‌شود، یک متجاوز مرتکب تجاوز می‌شود، کلاهبردار به جرمی محکوم می‌شود که در آن فرد با توسل به وسایل متقلبانه طرف مقابل خود را فریب داده و به این وسیله مال دیگری را برده و شرط آن منفعت مالی است. بدیهی است که جرائم آن‌هایی هستند که طبق قانون چنین تعریف شده‌اند، اما آیا جرائم یقه سفید باید فقط شامل مواردی باشد که به این صورت به عنوان «جرائم» تعریف شده‌اند یا باید شامل سایر اعمال غیر مجرمانه ممنوعه نیز باشد؟

همه‌ی نظریه پردازان موافق نیستند که جرم یقه سفید با سایر جرائم متفاوت است. نظریه عمومی جرم‌شناسی، مجرمان (از جمله مجرمان یقه سفید) را افرادی معرفی کرده است که رفتار ضد اجتماعی از خود نشان می‌دهند و با هنجارهای جامعه همخوانی ندارند. رفتار آن‌ها را می‌توان با دو اصل علی توضیح داد (لانگ، لانگ و مورگان^۲، ۲۰۲۱، ۷۷). این نظریه، پیش بینی می‌کند که مجرمان یقه سفید هم از نظر جنایی همه کاره (با تجربه) هستند و هم به اندازه جنایتکاران خیابانی منحرف هستند. «انگیزه» را به عنوان یک عامل سببی و برچسب جنایت یقه سفید را رد می‌کند تا این مجرمان را از مجرمان خیابانی متمایز کند:

جرم‌شناسان، در میان دیگر محققان، به دنبال دست و پنجه نرم کردن با انواع مختلف جرائم یقه سفیدها بوده‌اند تا بتوانند انواع جرائم یقه سفید را بهتر تعریف کنند. این نویسنده پیشنهاد می‌کند که جرائم یقه سفید را می‌توان به دو دسته از جرائم ارتكابی در محل کار به شرح زیر تقسیم کرد: جرم ارتكابی به نفع:

(الف) کارفرمایی که شرکت‌کنندگان ممکن است از آن به نفع شخصی برسند یا از ضرر شخصی اجتناب کنند.

(ب) خود برای دستیابی به منافع شخصی یا اجتناب از ضرر شخصی.

^۱ Benson & Gottschalk.

^۲ Long, Logan & Morgan.

نوع (الف) جرائم یقه سفید ممکن است تحت عنوان جرم شرکتی توصیف شود؛ نمونه‌ای از این نوع جرم شامل کلاهبرداری اوراق بهادار است. نوع (ب) جنایت یقه سفید ممکن است تحت عنوان «جنایت شغلی با منافع شخصی» توصیف شود. نمونه‌هایی از این نوع جرائم، در چهارچوب این مطالعه در مورد اعضای حرفه وکالت، شامل کلاهبرداری وام مسکن، کلاهبرداری در هزینه‌های متورم یا سرقت از حساب مشتریان است. عناصر مشترک ضروری با نوع (الف) و (ب) جرائم یقه سفید این است که این جرائم توسط افراد در زمان یا در حین کارشان برای کسب سود انجام می‌شود. آن‌ها نمی‌توانند بدون حضور در محل کار مرتکب این جرائم شوند و تفاوت اساسی با «جرم خیابانی» که ممکن است شامل «گرفتن مال از دیگری» نیز باشد، مکان است.

گزارش کورستون (۲۰۰۷) ضمن بررسی نحوه برخورد با زنان در زندان‌ها، نتیجه گرفت وقتی که زنان احساس آسیب پذیری در مسائل خانوادگی، شخصی و اجتماعی و اقتصادی می‌کنند، احتمال اینکه دچار بحران شده و دست بدعمل مجرمان بزنند افزایش می‌یابد. جنایت، برای بسیاری از زندانیان یک واکنش ساده بد بحران است. این گزارش نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان مرتکب جرائم متفاوتی می‌شوند. آن‌ها معمولاً مرتکب جرائم اکتسابی شده و کمتر درگیر خشونت و جنایات حرفه‌ای می‌شوند. گاتسچالک در تحلیل آماری خود در نروژ دریافت که زنان تنها ۴ درصد از مجرمان یقه سفید را شامل می‌شوند (گوتشالک، ۲۰۱۲، ۶).

جرم یقه سفیدها، همان طور که تحقیقات مؤید این موضوع هستند، جرمی مردانه است؛ به عبارت دیگر غالب مجرمان جرائم یقه سفیدها را مردان تشکیل می‌دهند. این خصوصیت از جرائم یقه سفیدها در جوامعی مثل ایران که به صورت سنتی، زنان کمتر فرصت حضور در عرصه‌های اقتصادی و فعالیت‌های مالی را داشته‌اند و از طرف دیگر عرصه‌ی انحصاری مردان تلقی شده است، برجسته‌تر است (قورچی بیگی، ۱۳۹۸، ۲۳۴).

دامنه جرائم یقه سفیدها در هر جامعه به تناسب شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود، متنوع و گسترده است. اگر چند سال پیش سخن از سودهای هزار میلیاردی یقه سفیدها از اقتصاد ایران توسط مافیای شکر و فولاد بود تا سلطان گوشت! ولی با رشد سریع جرم یقه سفیدی، هزارپای فساد به سرعت با رخنه در حوزه‌های کلان سودده یک شبه ره صد ساله را پیموده و مردم و کشور را به خاک سیاه نشاند، به طوری که شاید نسل‌ها و دهه‌ها باید تا درباره ابعاد و پیچیدگی هریک از مفاسد کلان یقه سفیدهای ایران کالبد شکافی شود؛ با این حال باز گره‌های ناگشودنی باقی خواهد بود؛ زیرا اکنون مصداق‌های پدیده جرم یقه سفیدی در ایران به مثال‌های مذکور در کتب کلاسیک چون اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری و جعل اسناد محدود نمی‌شود؛ بلکه سرطان گسترده فساد در زمینه منابع ملی سودآور و موارد دیگر مانند: نفت، طلا و ارز، زمین خواری، جنگل خواری، دریا

خواری، تخریب محیط زیست، تقلب در مواد غذایی، تضییع حقوق مصرف کننده و تخلفات استخدامی و گمرکی دیده می‌شود؛ اما راهکار مقابله با جرم یقه سفیدی چیست؟ جدای از تعقیب و مجازات بدون اغماض مجرمان یقه سفید وابسته به قدرت یا حاکمیت، بدون شک، حاکمیت بدون چون و چرای قانون و شایسته سالاری در تصدی مقامات دولتی و حکومتی از عوامل مؤثر پیشگیری از جرائم یقه سفیدها است، مشروط بر اینکه دستگاه‌ها و نهادهای مستقل دولتی و مدنی و رسانه‌ها نیز بر جریان امور مالی و اداری نظارت مستمر داشته باشند؛ به طوری که ضمن الزام کلیه مسئولان و مقامات رده بالا به پاسخگویی و شفافیت در عملکردهای اقتصادی، از هرگونه مصلحت اندیشی اجتناب شود.

۳. شکاف جنسیتی

آنچه به طور کلی گفته می‌شود، این است که زنان نسبت به مردان کمتر مرتکب جرم می‌شوند، این تفاوت از سوی استفنمیر و آلن (۱۹۹۶) شکاف جنسیتی نامیده شد. در مباحثی که در خصوص جرائم زنان انجام می‌شود، شکاف جنسیتی همواره مطرح می‌گردد.

وقتی صحبت از جرم می‌شود، زنان با مردان متفاوت‌اند؛ همان‌گونه که در جامعه نیز با آنان به شکلی متفاوت برخورد می‌شود. تفاوت‌های جنسیتی و رابطه‌ی میان اقتصاد، نابرابری و جرم در طول زمان توسط جرم‌شناسان مورد بررسی قرار گرفت.

بهترین شیوه برای بررسی جرائم زنان، روش کیفی است؛ زیرا از این طریق، می‌توان شرح داد که چرا زنان مرتکب جرائم یقه سفید می‌شوند، نه آنکه چرا نسبت به مردان کمتر مرتکب جرم می‌شوند. آمار جنایی که از ارتکاب جرائم کمتر توسط زنان حمایت می‌کند، از کمترین اعتبار در بین تمام آمارها برخوردار است. گزارش جرائم در قالب آمار باید دارای سه معیار باشد که جرائم زنان فاقد آن است: ۱- به جامعه ضرر برساند؛ ۲- ماهیت عمومی داشته باشد؛ ۳- شامل همکاری قربانی با قانون باشد.

جرائم زنان خاص‌تر از جرائم مردان هستند. قربانیان مجرمان زن اغلب فرزندان، شوهر، معشوقه یا از اعضای خانواده هستند. جنایت زنان دیرتر شروع می‌شود، دیرتر به اوج می‌رسد و بیشتر از مردان به طول می‌انجامد. استانداردهای دوگانه، تکنیک‌های فروش مدرن و سرخوردگی اجتماعی ناشی از موقعیت زنان در جامعه به بروز این جرائم کمک می‌کنند. تقسیم کار جنسی به نفع هر دو جنس و جامعه است (استفانی، ۱۳۹۶، ۷۴).

۳-۱. آمار مجرمین یقه صورتی و یقه سفید در ایران و نروژ

پولاک^۱ (۱۹۵۰) می‌نویسد: مسأله جرائم زنان در حوزه تحقیق نادیده گرفته شده است. فقدان توجه علمی به مشکلات مربوط به مجرمان زن احتمالاً به این دلیل است که زنان نسبت به مردان کمتر با نهادهای قانونی در ارتباط هستند. جرائم زنان مستلزم تحقیقات بیشتر است، حتی اگر شمار مجرمان زن به لحاظ آماری چندان قابل توجه نباشد (کمایی و ابوالحسنی، ۱۳۹۹، ۴۳۳).

جدول ۲. آمار توصیفی در نروژ اقتباس از بنسون و گوتشالک، ۲۰۱۵

جنسیت	تعداد	درصد
مرد	۳۰۷	۹۳،۳
زن	۲۲	۶،۷
انواع جرم		
کلاهبرداری	۱۵۱	۴۵،۹
سرقت	۲۴	۷،۳
دستکاری (مخدوش سازی)	۹۵	۲۸،۹
رشوه	۵۹	۱۷،۹
بخش شاغل		
دولتی	۲۵	۷،۶
خصوصی	۳۰۴	۹۲،۴

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شد، جرم یقه سفید در نروژ از نظر جنسیتی خنثی نیست و مانند ایران، مردان تسلط دارند. از ۳۲۹ فرد موجود در مجموعه داده‌ها، تنها ۲۲ نفر (۶/۷) زن هستند (بنسون و گوتشالک، ۲۰۱۵، ۵۵۲-۵۳۵). این نسبت به طور چشمگیری همانند آمار نسبت زنان در مجموعه داده‌های ایران است که توسط قورچی‌بیگی (۱۳۹۸) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه جنسیت، دست کم در رابطه با جنایات یقه سفید نشان می‌دهد، سطح مشارکت زنان نروژی کاملاً شبیه زنان ایرانی است. اگرچه داده‌های ما این اجازه را نمی‌دهد که تعیین‌کننده‌ی این مهم باشد که مشارکت زنان نروژی در جنایات یقه سفید دارای سطح پایین‌تری یا به اندازه زنان در ایران است؛ اما ارقام یاد شده در بالا که از مرکز آمار نروژ گزارش شده بود، دلیلی بر این مدعا است. لازم به ذکر است که در سال ۲۰۰۵ زنان تقریباً ۲۲ درصد از کل افرادی را تشکیل می‌دادند که متهم به جرائم اقتصادی بودند. در پژوهشی در ایران نیز از میان مجموع ۱۹ پرونده‌ی مورد

^۱. Polak.

بررسی قرار گرفته شده، حدود ۹۴ درصد مرتکبان مرد بوده‌اند و تنها یکی از مرتکبان، زن بوده است که وی نیز کارمند و مسئول اعتبارات شعب یکی از بانک‌ها بوده است.

جدول ۳. آمار توصیفی در ایران (فورچی بیگی، ۱۳۹۸)

جنسیت	تعداد	درصد
زن	۱	۵/۳
مرد	۱۸	۹۴/۷
انواع جرم		
دست‌کاری در صورتحساب و جعل سند	۸	۴۲/۱
تأسیس شرکت، نمایندگی یا فروشگاه تقلبی	۵	۲۶/۵
تشویق به سرمایه‌گذاری	۲	۱۰/۵
تبلیغات دروغین	۱	۵/۲
سوءاستفاده از اختیارات سازمانی یا قانونی	۲	۱۰/۵
تظاهر به نفوذ در مراجع اداری	۱	۵/۲
بخش شاغل		
دولتی	۶	۳۱/۶
خصوصی	۱۰	۵۲/۶
تعاونی	۳	۱۵/۸

میان پرونده‌های مورد مطالعه در این پژوهش، روش « دست‌کاری در صورتحساب‌ها یا جعل اسناد»، رایج‌ترین روش برای ارتکاب جرم بوده است؛ به ویژه در سطح جرائم شغلی که توسط کارمندان ارتکاب یافته است (حدود ۴۲ درصد). تأسیس شرکت و نمایندگی تقلبی نیز یکی دیگر از راه‌های متقلبانه برای ارتکاب چنین جرائمی بوده است (حدود ۲۶ درصد)؛ در این روش مجرمان با ایجاد مشوقی برای قربانیان (برای مثال با تحویل زودتر یا ارزان‌تر) آن‌ها را تحریک به سرمایه‌گذاری می‌کرده‌اند. تشویق به سرمایه‌گذاری، تبلیغات دروغین، سوءاستفاده از اختیارات سازمانی یا قانونی و تظاهر به نفوذ در مراجع اداری از دیگر روش‌های فریب‌جویانه بوده است.

میان نوزده موردی که در این پژوهش، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ۳۱/۶ درصد از مورد‌ها در بخش دولتی اتفاق افتاده است. بخش تعاونی و به طور ویژه، تعاونی‌های مسکن، به دلایل مختلف، نیز یکی دیگر از بخش‌های بسیار آسیب‌زا محسوب می‌شوند. در بخش دولتی، مرتکبان همگی در بخش‌های مالی یا کاربرداری‌های دستگاه‌های دولتی شاغل بوده‌اند. سایر موارد پرونده‌هایی هستند که در بخش خصوصی ارتکاب یافته‌اند (حدود ۵۲/۶ درصد). در بخش خصوصی نیز بیشترین

میزان جرائم توسط کارمندان امور مالی و اعضای هیأت مدیره ارتکاب می‌یابد. به نظر می‌رسد «فرصت» تأثیرگذارترین عامل در ارتکاب این جرائم است.

به طور کلی میزان جرائم ارتكابی زنان در مقایسه با مردان کمتر است و در این رابطه دلایل متعددی بیان شده است. علت این موضوع می‌تواند دسترسی جنسیتی به موقعیت‌های شغلی و سازمانی و وجود سقف‌های شیشه‌ای برای زنان در سازمان‌ها باشد. عده‌ای دیگر به موضوع روحیه قانون‌گراتر زنان و برخوردهای ارفاق آمیز نظام عدالت کیفری با زنان در مقایسه با مردان اشاره کرده‌اند. عده‌ای دیگر اعتقاد دارند زنانی که در ساختارهای سازمانی به مناصب بالاتری می‌رسند، به علت منحصربه‌فرد بودنشان بیشتر در معرض توجه قرار دارند و بیشتر از مردان همکار خود کنترل می‌شوند و از طرف دیگر در فعالیتهای غیرقانونی کمتر مورد اعتماد قرار می‌گیرند.

نتیجه گیری

در این مقاله، ابتداء، به بررسی این پرسش پرداخته شد که جنایت یقه سفید در ایران و نروژ از نظر جنسیتی خنثی است یا جنسیت خاصی دارد. سپس در مرحله‌ی بعد، تفاوت مردان و زنان از نظر ماهیت جرائم یقه سفید و نقش آنان در این جرائم مورد مذاقه قرار گرفت.

برخی از ویژگی‌های اقتصادی نروژ را این گونه می‌توان برشمرد: کشوری کوچک با حدود پنج میلیون نفر جمعیت، دارای اقتصادی قوی با نرخ بیکاری زیر ۳ درصد و دارنده‌ی دومین تولید ناخالص داخلی سرانه در اروپا که همه‌ی این عوامل سبب گردیده، بیشتر مردم از سطح بالای زندگی برخوردار باشند و از نظر سازمان ملل متحد، نروژ یکی از بهترین - گاهی بهترین کشورهای - برای زندگی در نظر گرفته می‌شود. همچنین نا برابری درآمدی در نروژ کمتر از سایر کشورهای غربی است. نروژ از دیدگاه تعدادی از معیارهای برابری جنسیتی، بسیار بالاتر از ایران و سایر کشورها قرار دارد.

یافته‌های پژوهش، حکایت از این داشت که جنایات یقه سفید در نروژ و ایران مشابه یکدیگر هستند و این فرضیه را زیر سؤال می‌برد که تفکیک جنسیتی در جامعه و محل کار، عامل به وقوع پیوستن جرائم یقه سفید است. نروژ گام‌های بلندی در جهت ارتقای برابری جنسیتی در سراسر جامعه، به ویژه در محل کار برداشته است. این کشور با توجه به فرصت‌های اقتصادی که برای زنان فراهم می‌کند، رتبه ششم جهان را دارد. این در حالی است که زنان ایرانی فرصت‌های کمتری برای ارتکاب این جرائم دارند و از فرصت‌های شغلی برابر برخوردار نیستند. به عبارت دیگر در نروژ ۴۰ درصد از اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها در اختیار زنان است و تخمین زده می‌شود که آنان تقریباً ۳۵ درصد از پست‌های مدیریتی در بخش خصوصی و بیش از نیمی از این موقعیت‌ها

در بخش بهداشت و آموزش را در اختیار دارند. به طور خلاصه، در دنیای تجارت نروژ، اتاق‌های هیأت مدیره اجرایی منحصر به مردان نیستند؛ بلکه نزدیک به نیمی از صندلی‌های هیأت مدیره توسط زنان اشغال شده است؛ با این حال، کمتر از ۷ درصد از مجرمان یقه سفید در نمونه‌ی ما زن بودند. این نتیجه به وضوح نشان می‌دهد که علاوه بر عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی، عوامل دیگری نیز باعث تعداد کم زنان مجرم یقه سفید نسبت به مردان است.

همان‌گونه که گزارش شکاف جنسیتی، نروژ را در رتبه‌ی اول جهانی نشان می‌دهد، این کشور در زمینه‌ی ارتقاء برابری جنسیتی در مقایسه با سایر نقاط جهان موفقیت چشمگیری داشته است؛ بنابراین، اگر برابری جنسیتی علت بالقوه افزایش مشارکت زنان در جنایات یقه سفید باشد، می‌توان انتظار مشاهده‌ی آن را در نروژ داشت؛ با این حال، نتایج، در مورد میزان و نقش زنان در جنایات یقه سفید در نروژ بسیار مشابه آن چیزی است که در ایران، در مورد زنان مشاهده شده است؛ از این رو، در این پژوهش، به این نتیجه دست یافته شد که نا برابری جنسیتی، حداقل تا آنجا که با دسترسی به بازار کار و سایر منابع مرتبط است، منشأ شکاف جنسیتی در جرائم یقه سفید نیست؛ البته، شکاف جنسیتی چیزی فراتر از دسترسی رسمی به منابع است.

همچنین به انتظارات جنسیتی و شیوه‌های اجتماعی شدن در جامعه نیز مربوط می‌شود. اگر این نتیجه‌گیری صحیح باشد، پیامدهای اطمینان بخشی برای ایران در پی دارد. از سویی دیگر، این مهم نشان می‌دهد که برابری بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، لزوماً بدان معنا نیست که آنان در همان زمان در مورد جنایات یقه سفید مانند مردان رفتار خواهند کرد. شاید برای بیان این نکته زود به نظر برسد، اما اگر زنان هرچه بیشتر نقش رهبری در تجارت را بر عهده بگیرند، امید است منجر به تغییراتی بشوند که شاهد کاهش سطح جنایت یقه سفید در ایران بود.

اهمیت جرائم یقه سفید به خصوص جرائم یقه صورتی و دامنه وسیع تأثیرگذاری آن بر ابعاد زیربنایی یک جامعه، غیرقابل اغماض است؛ بدین خاطر اهتمام جدی و برنامه ریزی دقیق در نظارت بر رفتار مرتکبین این گونه جرائم و کیفر آن‌ها ضروری است. بدیهی است اتخاذ راهکارهای اصولی و نظام‌مند به منظور ایجاد مانع در مسیر سوء استفاده احتمالی برخی افراد از اعتبار و اقتدار خود باید مورد توجه مدیران نظام عدالت کیفری قرار گیرد.

از سوی دیگر مسأله جرائم زنان در حوزه تحقیق نادیده گرفته شده است. فقدان توجه علمی به مشکلات مربوط به مجرمان زن، احتمالاً به دلیل ارتباط کمتر زنان با نهادهای قانونی نسبت به مردان است. جرائم زنان مستلزم تحقیقات بیشتر است؛ حتی اگر شمار مجرمان زن به لحاظ آماری چندان قابل توجه نباشد؛ بنابراین، وضع قوانین متناسب و شفاف و آموزش نیروی کار متخصص اعم از قضایی، پلیسی و اداری کارآمد و آموزش عمومی برای مبارزه با مجرمین یقه صورتی و

همچنین تقویت نظام پلیسی و قضایی از لحاظ سلامت و کفایت، برای مقابله با مجرمین یقه صورتی اهمیت اساسی دارد.

کتاب‌شناسی

۱. استفانی، گرت، (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، کتابون بقایی، نشر نی، چاپ اول.
۲. جریانی، حمید، (۱۳۸۹)، « بررسی آماری جرائم زنان ایران »، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۲، ۹۱-۱۱۷.
۳. سلیمی، صادق، (۱۳۸۶)، « مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران »، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و هشتم، شماره ۴، ۲۵۴-۲۳۹.
۴. صادقی، سهیلا، لاریجانی، مهسا، (۱۳۹۲)، « آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی »، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲، ۸۷-۱۱۱.
۵. فورچی بیگی، مجید، (۱۳۹۸)، « تحلیلی کیفی از بزهداری یقه سفیدها: فهم زمینه‌ها و انگیزه‌ها »، *مسائل اجتماعی ایران*، دوره دهم، شماره ۱، ۲۳۸-۲۱۷.
۶. کمایی، مریم، ابوالحسنی، سلامه، (۱۳۹۹)، « تحلیلی بر مقاله جرم یقه صورتی: زنان و جرایمی که در محل کار مرتکب می‌شوند »، *پژوهش‌های حقوقی*، دوره چهل و دوم، شماره ۳، ۴۲۹-۴۴۲.
۷. گلباغی ماسوله، سید علی جبار؛ ملک مطیعی، ساسان (۱۴۰۱)، « پیشگیری وضعی با رویکرد طراحی محیطی در کاهش سرقت منازل اجتماعی » *فصلنامه*، آموزه‌های فقه و حقوق جزا، شماره ۲، ۸۵-۱۰۶.
۸. مدرسی عالم، زهره، (۱۳۹۶)، « واکاوی مشارکت زنان در ایران »، *مجله اقتصادی*، سال هفدهم، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸-۱۱۱.
۹. میر خلیلی، سید محمود، خدادوست، بهنام، (۱۳۹۶)، « تغییر از مجرمین یقه سفید به مجرمین یقه قرمز »، *فصلنامه جستارهای حقوقی*، دوره اول، شماره ۳، ۱۵۶-۱۲۹.
۱۰. منظمی تبار، جواد، (۱۳۹۸)، « بررسی پیامدهای جرائم یقه سفیدان بر امنیت ملی »، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، ناچا، دوره چهارم، شماره ۱۱، ۱۴۱-۱۶۷.
۱۱. نصیری، مصطفی (۱۳۹۳)، « ساز و کارهای کنترل جرائم یقه سفید: الگوهای کیفری و غیر کیفری »، *فصلنامه علمی کارآگاه*، دوره بیست و هشتم، دوره ۴، ۷-۲۴.
12. Adler, F, (1975), *Sisters in crime: The rise of the new female criminal*, McGraw- Hill: USA.
13. Benson, M., Gottschalk, P., (2015), « **white-collar crime in Norway: An empirical study of media report** », *International Journal of Law, Crime and Justice* 43 (2015), 535-552.
14. Dearden, T., Gottschalk, P., (2020), « **Gender and White-Collar Crime: Convenience in Target Selection, Deviant Behavior** », DOI: 10.1080/01639625.2020.1756428.1.
15. Gottfredson, M.R., Hirschi, T., (1990), *A general theory of crime*, Stanford University Press: USA.
16. Galvin, M. A., Logan, M., & Snook, D. W. (2021), « **Assessing the validity of white-collar crime definitions using experimental survey data** », *Journal of Experimental Criminology*, 1-29.
17. Long, J., Logan, M. W., & Morgan, M. A., (2021), « **Are white-collar prisoners special? Prison adaptation and the special sensitivity hypothesis** », *Journal of Criminal Justice*, 77, 101863.